

قرآن کریم

قرآن کریم، کلام اعجاز آمیز خداوند بزرگ است که برای هدایت بشر به رسول گرامی اسلام وحی شد. همزمان با نزول این وحی الهی بر رسول گرامی اسلام، به وسیله یاران آن وجود مقدس، نوشته می شد و در مصحف ها نگهداری می گردید. این گونه نیست که فقط رسول گرامی اسلام آن را برای نسلهای بعدی نقل کرده باشد. بلکه بسیاری از یاران بزرگوار آن وجود مقدس، برای نسل های بعد نقل کردند که این کتاب از ناحیه خدا بر رسولش نازل گردید.

همان گونه که خود وحی منزل و کلام منیر برای عرب آن روزگار تازگی داشت، نامگذاری آن نیز مقرون به تازگی بود. دلیل این امر روشن بود؛ زیرا رسول گرامی اسلام از همان آغاز تولد تا بعثت و بعد از آن هجرت، دارای سلوک و مشیی متفاوت با اعراب آن روزگار بود.

بنابراین اگر حتی نامگذاری این مصحف شریف نیز یک نامگذاری منحصر به فرد و جدید باشد جای تعجب نیست. زیرا بنای رسول گرامی اسلام بر این بود که «طریقه ای جدید» در آن برهوت فرهنگی ایجاد نماید.

این گونه است که خدای بزرگ به وسیله «معجزه ختمیه» اصطلاحاتی خلق می کند که برای اعراب جاهلی تازگی داشت. دلیل این کار نیز روشن بود.

چرا که کلمات شایع و مورد استفاده اعراب جاهلی توانایی حمل معانی اسلامی که به وسیله این الفاظ برای بشر نازل می گردید، نداشت. زیرا آن کلمات شایع و متعارف، محصول فکر و اندیشه، فرهنگ جاهلی بود و اسلام، مخالف فرهنگ جاهلی بود.

از طرفی، ایجاد اصطلاحات خاص اسلامی از دیده ای دیگر نیز حکایت داشت و آن دیده، دین بود که خدای بزرگ بدین وسیله می خواست، طبع اعراب را دچار تغییر و تحول نماید. نیز این کار باعث فرق گذاری بین فرهنگ اسلام و دیگر فرهنگ ها می گردید.

لذاست که خداوند چه برای مجموعه وحی خود و چه برای بخش های مختلف آن مانند «سوره و آیه» نامهای جدیدی برمی گزیند که با نامهایی که اعراب برای کلام خود به کار می برند، فرق دارد. انتخاب به این نامها بی ضابطه نبوده و میان این نامها و ریشه هایی که این نامها به آن برمی گردد، رموز و قواعد خاصی مراعات گردیده است.

برای این «مصحف شریف» نامهای زیادی ذکر شده است. همه این نامها نیز از سوی خداوند بزرگ به رسولش وحی شده است. اما از مجموع این نامها دو نام شهرت یافته است: یکی «قرآن» و دیگری «کتاب».

هر دو نام قرآن و کتاب ریشه در زبان آرامی دارد.

در زبان «آرامی» کتابن به معنای نگاشتن حروف و قرائت به معنای خواندن است.

کلمه «القرآن» پنجاه بار به کار رفته که در همه موارد منظور همین کتاب شریف است.

کلمه «الکتاب» نیز در چهل و هفت مورد در قرآن اطلاق شده است. مع ذلک نامیدن این مجموعه وحی، به این دو نام متفاوت، کاملاً طبیعی است. زیرا وحی محمدی در همه مراحل تاریخش، مفاد این دو تعبیر را در بر داشته و نصوص و تعالیم آن هم در خط و سطور نقش بسته و هم با خواندن و حفظ کردن در سینه ها ضبط گردیده است.

برای نامگذاری این مصحف شریف به « کتاب و قرآن » وجوهی توسط دانشمندان اسلامی ذکر شده است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم:

۱. انتخاب این نام (قرآن) برای این کتاب بدین لحاظ است که مردم پیوسته متوجه خواندن آن باشند و نباید آن را متروک بگذارند.

۲. این کتاب، مرتبه ای از کلام، بلکه علم الهی است و مقام حقیقی آن بسی بالاتر از آن است که به صورت الفاظ درآید. ولی خداوند متعال بر مردم منت نهاد و آن را چندان تنزل داد تا به صورت الفاظ خواندنی درآمد و این نام برای آگاهی دادن به این مطلب است.

۳. این وصف _ قرآن _ بدان جهت است که این کتاب را خدای متعال برای پیغمبر خوانده است. چنان که در سوره قیامت آیه ۱۸، می فرماید:

« فاذا قرأناه فاتبع قرآنه »

« پس آن گاه که آن را خواندیم ، خواندنش را پی گیر.»